

«دام» انتخابات ۸۰ کدام است ؟

گرایش آشکار اکثریت مردم به تحریم انتخابات ریاست جمهوری در ۱۸ خرداد ۱۳۸۰ در فضا موج می‌زند. نیروهای اصلاح طلب و هواخواهان آنان در داخل و خارج از ایران، با وحشت از آن که در تحریم وسیع انتخابات از سوی مردم، مرگ سیاسی خودشان هم به نمایش درآید؛ و در وحشتی بمراتب بیشتر، از آن که این تحریم، بیان‌گر آگاهی مردم بر ناگزیری از سرنگونی جمهوری اسلامی باشد، مردم را به شرکت هر چه وسیع‌تر و رأی دادن به خاتمی فرا می‌خوانند. اینان چون برای امیدوار کردن و به شوق در آوردن مردمی که ناتوانی خاتمی را در اوج قدرت اش آزموده‌اند و اصلاح ناپذیری رژیم اسلامی برای‌شان ثابت شده است، چیزی برای گفتن ندارند، به ترساندن‌شان متوسل شده‌اند که: «ای مردم، تلاش جناح تمامیت خواه این است که بازار انتخابات سرد باشد تا از آن بعنوان برگشت شما از اصلاحات و پشت کردن‌تان به خاتمی و اصلاح طلبان، و به سود مشروعیت و حقانیت خودش بهره برداری کند. پس، آنانی که شما را به تحریم انتخابات فرا می‌خوانند، به اهداف تمامیت خواهان خدمت می‌کنند. تحریم، دام جناح تمامیت خواه است. با شرکت در این انتخابات و رأی دادن به خاتمی، از افتادن در این دام، بپرهیزید!»

اگر دمی در این انتخابات برای مردم چیده شده باشد، در همین سخنان است.

مطلقاً صحت ندارد که گویا جناح تمامیت خواه تلاش می‌کند که بازار انتخابات، سرد باشد. خود آنان بهتر از هر کسی متوجه‌اند که روی گردانی عمومی از انتخابات ۸۰، در همه دنیا نه فقط روی گردانی از خاتمی و اصلاح طلبان، بلکه روی گردانی از کل رژیم اسلامی معنی خواهد داد؛ به این دلیل ساده، که مردم به هیچ‌یک از کاندیداها رأی نخواهند داد و آن جناح، این را نمی‌تواند پیروزی خود بر خاتمی و اصلاح طلبان بشمار آورد. آرزوی جناح تمامیت خواه و سناریوی ایده آل او در این انتخابات معین، این است که اولاً - مردم بشدت و بمراتب بیشتر از دوم خرداد ۷۶ از انتخابات استقبال کنند و دوربین‌های خبری دنیا، شاهد ازدهام پر شور مردم در حوزه‌های رأی گیری باشند؛ و ثانیاً - کمترین آرا به خاتمی داده شود و مجموعه آرا، بین کاندیداها گوناگون پخش شود. به این ترتیب، از یک طرف محبوبیت و مشروعیت رژیم، و از سوی دیگر، روی گردانی مردم از خاتمی و اصلاح طلبی به نمایش در می‌آید. این، حالت، حالت ایده آل برای تمامیت خواهان است، اما حداقل مطلوبی که خود را برای آن آماده کرده‌اند، شرکت وسیع مردم، حتا بقیمت آرای بالا برای خاتمی است؛ چرا که پیروزی نسبی خاتمی را (که اگرچه ناباب‌ترین کاندیدا، ولی به هر حال، کاندیدای خودشان هم هست) به شکست فاحش و عریان کل رژیم اسلامی ترجیح می‌دهند. درست به همین خاطر است که شخص خامنه‌ای و رادیو و تلویزیون و تریبون‌های نماز جمعه و غیره، برخلاف ادعای کذب طرفداران خاتمی، ولی مثل خود آنان، مردم را به شرکت هرچه پر شورتر و گسترده تر در این انتخابات، دعوت می‌کنند. شرکت وسیع مردم در این انتخابات، برای جناح تمامیت خواه بقدری حیاتی است و کابوس حوزه‌های سوت و کور رأی گیری، چنان او را در بر گرفته است، که امامی کاشانی، خطیب نماز جمعه تهران به مردم التماس می‌کند که تحریم، نکنید؛ می‌گوید: «به رأی سفید، گرچه رأی سفیدخوانده می‌شود جزو آرا، ولی قناعت نفرمائید؛ بالاخره به یک نفری که نامزد شده و شورای نگهبان هم تأیید کرده،

رأی بدهید برای این که در دنیا منعکس میشه که این ها هیچکدام از این ها را هم شایسته ندیدند . ولذا رأی سفید گرچه حق داره آدم بده، ولی عرض می کنم این کار را نکنید رأی هم حساب میشه، ولی از لحاظ سیاسی در دنیا یک نکته ایست . یا رأی دادن به امام زمام علیه السلام . نه، رأی بدهید، حضور پیدا کنید، حضور چشمگیر پیدا کنید» .

نه تنها جناح تمامیت خواه برای کساد کردن بازار انتخابات، دامی نچیده است، بلکه با حرارت مردم را به شرکت وسیع و پرشور دعوت می کند . این ها که حس کرده اند عزم مردم برای تحریم انتخابات، جدی است و خودشان را هم از ترغیب مردم به رأی دادن ناتوان می بینند، می خواهند مصممین به تحریم را هم با این کلک به حوزه ها بکشانند که آنان به این خیال که رأی سفید یا رأی شان به امام زمان، شمرده و اعلام خواهد شد، تحریم شان را با مراجعه به حوزه های رأی گیری عملی کنند !

برخلاف آنانی که تحریم را دام جناح تمامیت خواه قلمداد می کنند، فرق میان دوجناح رژیم در این نیست که یکی بگوید شرکت نکنید و دیگری بگوید شرکت نکنید . هر دو می گویند وسیع و پر شور شرکت کنید . منتها یکی می خواهد که خاتمی پیروز، و دیگری می خواهد که او شکست خورده یک انتخابات با شکوه و تاریخی باشد . جناح تمامیت خواه، نه تحریم، بلکه تکرار دوم خرداد دیگری را آرزو می کند که در آن، مردم این بار فقط به خاتمی «نه» بگویند . اگر این آرزوی آنان برآورده نشود و خاتمی بفرض محال حتا با آرای بسیار بالاتری از دوم خرداد ۷۶ هم پیروز بشود، تمامیت خواهان آن را به حساب اعتبار و مشروعیت نظام و پیوند مردم با آن خواهند گذاشت؛ و از این رو شرکت گسترده مردم، نتیجه اش هرچه باشد، خواست استراتژیک تمامیت خواهان است . اصلاح طلبان و حامیان آنان، از روی مردم فریبی، تلاش آن جناح برای افت رأی خاتمی را، تلاش آن برای عدم شرکت مردم در انتخابات جا می زنند و این دو را عمداً یکی قلمداد می کنند تا شرکت در انتخابات را «نه» به آن جناح، و تحریم را همراهی و همسوئی با آن معرفی کنند !

خاتمی یک بار انتخاب شد و ثابت کرد که رژیم اسلامی اصلاح ناپذیر است . او نشان داد که حتا تا آن اندازه لیاقت رأی بیست میلیونی مردم را نداشته است که وقتی دید کاری نمی تواند بکند، لااقل این را به مردم بگوید و از آنان پوزش بخواهد . او برعکس، وقاحت و خیانت به رأی مردم را به حدی رساند، که دوباره خود را نامزد کرد ! خاتمی و اصلاح طلبان ثابت کردند که «نه» ی مردم به کل نظام که سهل است، حتا سدی در برابر دستگاه ولایت و سرکوب و قتل سیاسی و شکنجه و خفقان و تواب سازی و هیچ یک از تباهی ها و سیاهی های قبل از دوم خرداد نیستند؛ چرا که امروز که خاتمی رویش می شود دوباره از مردم رأی بخواهد، هر آن چه مردم در دوم خرداد به آن «نه» گفتند، در دوره چهارساله ریاست جمهوری او بمراتب وخیم تر و شدیدتر از مقطع دوم خرداد شده است . حالا برای چه به او رأی بدهند؟ که به آن چه که او در این چهارسال «آری» گفت یا با سکوت و مماشات از کنارشان گذشت، «آری» بگویند و «نه» ی دوم خردادی خود را به دستگاه ولایت، پس بگیرند؟

آنانی که مردم را به رأی دادن دوباره به خاتمی تشویق می کنند، از مردم می خواهند لقمه گندی را که بالا آورده اند، دوباره در دهان بگذارند و ببلعند؛ و استدلال و توجیه بغایت ارتجاعی شان هم این است که فعلاً مردم چیز دیگری برای خوردن در دسترس ندارند !

اما مردم می دانند که اگر خاتمی دوباره انتخاب شود، سدی در برابر استبداد و سرکوب و اختناق و فقر و بی حقوقی و حبس و زندان و شکنجه و اعدام و سنگسار و قطع عضو و بیکارسازی و افزایش فاصله طبقاتی و فلاکت

عمومی و تبعیض بر زنان و بی‌آیندگی جوانان و گسترش اعتیاد و تن‌فروشی و فریه‌ترشدن غارت‌گران و چپاول‌گران و شرائط فاجعه‌بار ناشی از نظام سرمایه‌داری و حاکمیت روحانیت نخواهد بود، و حتی مثل سال‌های گذشته، در لحظات عصیان مردم علیه این بی‌دادها و بیدادگران، در رکاب ولایت مطلقه فقیه و اکبرشاه رفسنجانی و مافیای اقتصادی و سیاسی بر روی مردم شمشیر خواهد کشید.

پس شرکت مردم در این انتخابات و رأی‌دادن به خاتمی، از لحاظ برنامه‌ای و عمل‌کردی، برای مردم حاصلی نخواند داشت. تنها چیزی که از این رأی‌دادن به خاتمی می‌ماند، اجرای سناریوی مطلوب تمامیت‌خواهان توسط مردم است که در برابر حوزه‌های رأی‌گیری ازدحام کنند؛ به انتخابات ضددموکراتیک شورای نگهبان رونق، و به رژیم اسلامی - که بیزاری‌شان از آن را در چند انتخابات پیشین فریاد کرده‌اند - مشروعیت ببخشند.

اگر دامی در این انتخابات کار گذاشته شده باشد، در دعوت مردم به شرکت در این انتخابات است؛ دامی که هر دو جناح رژیم در کار گذاشتن آن شریک و ذی‌نفع‌اند، و هراسندگان از یک انقلاب توده‌ای نیز که بوی سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی به مشام‌شان رسیده است، بنام «اصل مشارکت» و «حق انتخاب» و «تمرین دموکراسی» و غیره، مردم را به پانهادن در این دام، تشویق می‌کنند.

عده‌ای از مردم، نه از روی میل و انتخاب بلکه از روی بی‌خبری مفرط، یا از زور بیچارگی مطلق، باز هم به خاتمی رأی خواهند داد. اما پای نهادن آگاهانه و اختیاری در دامی که طعمه‌مُردار شده آن گرسنه‌ترین سگان را هم فراری می‌دهد، جز از کرکس‌ها و کفتارها انتظار نمی‌رود.

برای حذر از افتادن در این دام، باید انتخابات ریاست جمهوری ۸۰ را قویاً و وسیعاً تحریم کرد.

۱۵ خرداد ۱۳۸۰